

قیمت‌می‌دانستند.

پدیده دیگری هم مشاهده شده است. بسیاری از بازرگانان و فروشندگان جواهرات از افزایش تعداد مشتریانی خبر می‌دهند که ارزش طلا و جواهرات خود را بررسی می‌کنند. برخی از این مشتریان حتی به‌فکر این هستند میراث جواهرات خانوادگی خود را ذوب کنند یا بفروشند تا از افزایش قیمت این فلز گرانبها سود ببرند. در بازارهای جهانی خرده‌فروشان بزرگی مانند پاندورا و سیگنت، که برندهای زالس و کی جولرز را دارند، نگران شوک‌های جدیدی هستند که هزینه‌های مواد و تعرفه‌ها ممکن است به‌همراه داشته‌باشند.

الکساندر لاسیک، مدیرعامل پاندورا، در گزارش مالی ماه اوت با اشاره به افزایش هزینه‌های طلا و نقره و نیز تعرفه‌ها در صنعت جواهرات، پیش‌بینی کرده شاهد افزایش کلی قیمت‌ برای این دسته از کالاها خواهیم بود. حالا با توجه به بازارهای جهانی سوال اصلی این است که آیا طلا ارزش سرمایه‌گذاری دارد؟

طرفداران سرمایه‌گذاری در طلا، آن را «پناهگاه امن» می‌نامند و استدلال می‌کنند که این کالا می‌تواند به‌تنوع‌بخشی و متعادل سازی سبد سرمایه‌گذاری کمک کند و نیز به‌عنوان پوششی در برابر افزایش تورم، خطرات احتمالی از دست رفتن سرمایه را در آینده کاهش دهد. برخی نیز با خرید چیزی ملموس‌تر که بتوانسیل افزایش ارزش در طول زمان را دارد، موافقت.

با این حال همه موافق نیستند که طلا یک سرمایه‌گذاری خوب است. منتقدان می‌گویند طلا همیشه پوشش تورمی نیست که بسیاری ادعا می‌کنند و راه‌های کارآمدتری برای محافظت در برابر از دست دادن احتمالی سرمایه، مانند سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر مشتقات، وجود دارد. آنها می‌گویند نوسانات طلا ۱۰ تا ۱۵ درصد است و مقادیر کمتر طلای فیزیکی، مانند سکه‌های طلا یا شمش‌های ۱ گرمی، دامنه قیمت خرید و فروش بیشتری دارند.

کمسیون معاملات آتی کالا در ایالات متحده نیز پیش از این به مردم هشدار داده بود که در مورد سرمایه‌گذاری در طلا محتاط باشند. این کمسیون اعلام کرد که فلزات گرانبها معمولاً بسیار بی‌ثبات هستند و با افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش می‌یابند به این معنی که وقتی اضطراب یا بی‌ثباتی اقتصادی زیاد است، افرادی که معمولاً فلزات گرانبه‌ا سود می‌برند، فروشندگان هستند.

گزارش ماه گذشته گلنمن ساکس خریداران طلا را به دو گروه طبقه‌بندی کرده بود: خریداران قطعی، که به‌طور مداوم طلا خریداری می‌کنند، و خریداران در فرصت‌طلب که وقتی فکر می‌کنند قیمت مناسب است وارد عمل می‌شوند. این تحلیل‌گران بر این باورند که بانک‌های مرکزی به مدت سه‌سال دیگر به خرید طلا ادامه دهند. بر اساس همین گزارش بانک‌های مرکزی بازارهای نوظهور در مقایسه با همتایان خود در بازارهای توسعه‌یافته، به‌طور قابل توجهی وزن کمتری برای طلا قائل هستند و به‌تدریج به‌عنوان بخشی از یک استراتژی متنوع‌سازی گسترده‌تر، تخصیص‌ها را افزایش می‌دهند. از طرفی طبق داده‌های نظرسنجی ماه ژوئیه شورای جهانی طلا، تقریباً ۹۵ درصد از بانک‌های مرکزی انتظار دارند که دارایی‌های طلای جهانی در سال آینده افزایش یابد. و موضوع مهم دیگر اینکه بنا به گزارش نیویورک تایمز افزایش قیمت طلا به افزایش سهام شرکت‌هایی که این فلز را استخراج می‌کنند، کمک کرده است؛ شاخصی که شرکت‌های استخراج طلا را در بورس نیویورک ردیابی می‌کند، امسال بیش از دو برابر شده است.

▼ چه چیزی می‌تواند روند صعودی طلا را متوقف کند؟

پس از یک روند صعودی تقریباً بی‌وقفه در قیمت طلا از اوایل سال گذشته، در نهایت ممکن است شاهد نوعی تثبیت قیمت باشیم، زیرا سرمایه‌گذاران سود خود را ذخیره می‌کنند. کاهش قابل توجه تعرفه‌های ترامپ و توافق صلح بین روسیه و اوکراین نیز می‌تواند باعث کاهش قیمت شود.

اما بانک‌های مرکزی مهم‌ترین ستون حمایت از حرکت صعودی طلا بوده‌اند، بلومبرگ معتقد است که اگر بانک‌های مرکزی ذخایر خود را کاهش دهند، قدرت ایجاد بیشترین آسیب را دارند.

هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که هیچ‌دارنده بزرگی قصد انجام چنین کاری را داشته باشد. بانک‌های مرکزی اقتصادهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر در مقایسه با دهه ۱۹۹۰، که فروش مداوم، قیمت شمش را بیش از یک‌چهارم در طول دهه کاهش داد، طلای بسیار کمی فروخته‌اند. در بحبوحه نگرانی‌ها مبنی بر اینکه این فروش‌های ناهماهنگ بازار را بی‌ثبات می‌کند، اولین توافق نامه طلای بانک مرکزی در سال ۱۹۹۹ منعقد شد که بر اساس آن امضاکنندگان موافقت کردند فروش جمعی شمش خود را محدود کنند.

از طرفی داشتن طلا معمولاً اقدامی رایگان نیست. از آنجا که طلا یک شیء فیزیکی است، دارندگان آن باید برای نگهداری، امنیت و بیمه هزینه بپردازند؛ سرمایه‌گذارانی که شمش و سکه طلا می‌خرند، معمولاً حق بیمه‌ای بیش از قیمت نقدی آن پرداخت می‌کنند. از طرفی ممکن است تفاوت‌های قیمتی جغرافیایی وجود داشته باشد و معامله‌گران از این فرصت‌های آربیتراژ استفاده کنند. آربیتراژ در علم اقتصاد به معنای بهره گرفتن از تفاوت قیمت بین دو یا چند بازار برای کسب سود است. به عبارتی سود آربیتراژی زمانی ایجاد می‌شود که یک کالای مشابه در دو بازار مختلف یا در مواردی خاص در دو قالب متفاوت عرضه می‌شود اما قیمت‌های یکسانی ندارد.

این اتفاق اوایل امسال رخ داد و ترس از اعمال تعرفه‌های ترامپ بر واردات شمش، معاملات آتی طلا در کامکس نیویورک را به‌طور قابل توجهی بالاتر از قیمت‌های نقدی در لندن قرار داد. در نتیجه کسانی که این فلز فیزیکی را در اختیار داشتند، برای انتقال آن به ایالات متحده برای به دست آوردن بیمه بزرگ و احتمالاً صدها میلیون دلار سود دست به کار شدند. این تجارت آربیتراژ در ماه آوریل به‌طور ناگهانی متوقف شد، چون دولت ترامپ اعلام کرد که شمش از عوارض معاف خواهد بود.

شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴
سال چهارم، شماره ۹۰۲
www.hammihanonline.ir

نگاه کارشناس

هشدار: طلا بدون ریسک نیست



آلیسون شرآگر

عضو ارشد موسسه منهتن*

با عبور قیمت طلا از مرز ۴۰۰۰ دلار، بازار بار دیگر در جستجوی کوکروانه «ویژگی پناهگاه امن» طلا گرفتار شد. با این حال، داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که نوسانات قیمت طلا بسیار فراتر از انتظارات است، به‌طوری‌که در بحران مالی ۲۰۰۸، قیمت‌ها حتی در یک روز ۶ درصد کاهش یافت.

افزایش شگفت‌انگیز قیمت طلا به ما یادآوری می‌کند که ما انسان‌ها در نهایت موجوداتی بدوی هستیم به‌ویژه آنهایی که در میان ما به‌عنوان معامله‌گران فعال شناخته می‌شوند. با این حال، این افزایش قیمت باید ما را به اهمیت استفاده از بخش‌های تکامل‌یافته‌تر مغزمان هم آگاه کند.

این موضوع را در نظر بگیرید: هیچ توجیه منطقی برای اینکه طلا ارزش ذاتی داشته باشد وجود ندارد؛ تنها در سال جاری میلادی، قیمت آن بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و روز چهارشنبه از ۴۰۰ دلار در هر اونس فراتر رفته است. وقتی جهان مملو از عدم قطعیت است، قیمت طلا تمایل به افزایش دارد، زیرا به‌عنوان یک «دارایی پناهگاه امن» و جایگزینی برای دلار آمریکا در نظر گرفته می‌شود. اما چرا طلا این جایگاه را دارد؟ دلار می‌تواند کالا بخرد، بازار سهام مالکیت شرکت‌های سودآور را را به همراه دارد و اوراق قرضه نوید مجموعه‌ای از بازپرداخت‌ها را می‌دهد. اما طلا چه چیزی برای ما دارد؟

این فلز کاربردهای صنعتی دارد، اما به نظر می‌رسد بخش زیادی از جذابیت آن ناشی از درخشندگی و کمیابی آن است. در مواقع بی‌ثباتی، ابتدایی‌ترین بخش‌های مغز ما این ویژگی‌ها را به طرز مقاومت‌ناپذیری جذاب می‌یابند.

ما باید در برابر این انگیزه مقاومت کنیم. طلا به‌عنوان یک دارایی، هیچ امنیت واقعی به همراه ندارد. مانند هر کالای دیگری، قیمت آن بسیار بی‌ثبات است. تنها چیزی که به سبد سرمایه‌گذاری اضافه می‌کند، ریسک است.

منصفانه بگویم، سرمایه‌گذاران به دلیل سابقه طولانی طلا به‌عنوان نوعی ارز، خرید این فلز را ترجیح می‌دهند. وقتی آزمایش‌های اقتصادی مدرن به ظاهر عالی، بازارها، بدهی‌های امن و پول فیات به نظر می‌رسد که متزلزل می‌شوند یا با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند، مردم به‌طور طبیعی به سمت ذخایر اولیه ارزش، یعنی طلا، جذب می‌شوند [پول بی‌ثشوانه، پول حکمی، پول دستوری یا پول اعتباری پول فیات، پولی است که ارزشش ذاتی نبوده و تنها ناشی از دستور دولتی یا قانون باشد. نام آن از واژه لاتین فیات به معنی بگذارد انجام شود گرفته‌شده است].

در شش دهه گذشته، طلا عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته است، حتی در مقایسه با شاخص S&P ۵۰۰، به‌ویژه در مقایسه با اوراق قرضه خزانه‌داری ده‌ساله، با این حال، هیچ‌یک

از جنبه‌های آن بدون ریسک نیست. قیمت طلا بسیار بی‌ثبات است و سرمایه‌گذاران دقیقاً به این دلیل که ریسک‌های مربوطه را می‌پذیرند، بازده قابل توجهی به دست می‌آورند.

طلا حتی نمی‌تواند محافظت پوشش ریسک پایداری داشته باشد. مسلماً در شرایط خاص بازار، طلا از سهام بهتر عمل می‌کند و گاه همبستگی منفی نشان می‌دهد. اما این خود طلا را به یک دارایی پایدارتر تبدیل نمی‌کند. اگر بازارها تغییر کنند، هیچ‌کس نمی‌تواند تضمین کند که قیمت طلا ثابت می‌ماند. در اوج بحران مالی سال ۲۰۰۸، قیمت طلا در یک روز ۶ درصد کاهش یافت.

شاید همانطور که سرمایه‌گذاران دوست دارند بگویند، این بار اتفاقی متفاوت رخ داده باشد. به هر حال، دلایل معتبری برای احساس نگرانی در مورد بازارهای امروز وجود دارد.

بر خلاف سال ۲۰۰۸، تورم به یک نگرانی مهم در ایالات متحده تبدیل شده است: علامتی وجود دارند که نشان می‌دهد تورم ممکن است درست هم‌زمان با شروع چرخه کاهش نرخ بهره توسط فدرال رزرو، دوباره افزایش یابد. این امر می‌تواند وضعیت تورمی را بیشتر تشدید کند. با توجه به این نگرانی‌های جدید تورمی، همراه با تعهد دو حزب به آینده‌ای با بدهی بالا در ایالات متحده، بازار اوراق قرضه به هیچ‌وجه بدون ریسک نیست. نمی‌توان انکار کرد که برای سرمایه‌گذارانی که به دنبال بازده پایدار و قابل پیش‌بینی در شش دهه گذشته هستند، هیچ چیز با اوراق قرضه خزانه‌داری ۱۰ ساله ایالات متحده (به جز اوراق قرضه کوتاه‌مدت) برابری نکرده است. با این حال، این وضعیت ممکن است خیلی دوام نیاورد. در همین حال بازارهای سهام نیز نشانه‌هایی از حباب قیمت را نشان می‌دهند و حتی سرمایه‌گذاران و جروم اچ. یاول، رئیس فدرال رزرو، حس می‌زنند که قیمت‌های بالای سهام می‌تواند منجر به اصلاح بازار شود.

در مورد ارزهای دیجیتال اما کمتر کسی چنین نظری دارد. اما باید دوباره تأکید کرد که هیچ‌کدام از این حس و گمان‌ها و پیش‌بینی‌ها طلا را به یک جایگزین کم‌ریسک تبدیل نمی‌کند. اگر از گمانه‌زنی لذت می‌برید و معتقدید که قیمت طلا همچنان افزایش خواهد یافت، سرمایه‌گذاری در طلا توجیه‌پذیر است.

با این حال وقتی روایت به این سمت تغییر می‌کند که «طلا نوعی دارایی است که می‌تواند هم از بازار بهتر عمل کند و هم ریسک کمی داشته باشد»، در این صورت من را در گروه شکاکان به این نگاه قرار دهید. این دو ویژگی نمی‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند. هر سرمایه‌گذاری که معتقد باشد می‌تواند هر دو را داشته باشد، قطعاً ناامید خواهد شد.

منبع: بلومبرگ

***نویسنده کتاب «یک اقتصاددان وارد فاحشه‌خانه می‌شود: و دیگر مکان‌های غیرمنتظره برای درک ریسک»**

بخش خصوصی



اختلال تولید گوشت و مرغ با انحصار واردات

انحصار واردات نهاده‌های دامی چرخه تولید گوشت و مرغ را مختل کرده است. به گزارش مهر، مجتبی عالی، مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران ایران، در واکنش به نامه هشدارآمیز رئیس جهاد کشاورزی دامغان مبنی بر کفایت ذخایر خوراک مرغ برای ۴ روز، اعلام کرده است که این وضعیت نه‌تنها محدود به یک شهرستان، بلکه در سراسر کشور جاری است. او گفت: تولیدکنندگان در محصه‌ای گرفتار شده‌اند که با ادامه روند فعلی، قیمت گوشت و مرغ در مدت کوتاهی چند برابر خواهد شد. عالی با تأکید بر معقول بودن شخص وزیر جهاد، انتقادها را متوجه مدیران زیر مجموعه وزارتخانه دانست که با «انابسامانی و آشفتگی عجیبی» مواجه شده‌اند. به گفته او، بسیاری از مسئولان به دلیل نگرانی از به خطر افتادن موقعیت خود، ترجیح داده‌اند سکوت کنند. وی گفت: انحصار واردات نهاده‌های دامی چرخه تولید گوشت و مرغ را مختل کرده و امنیت غذایی کشور را به مخاطره انداخته است.

نظارت بر صندوق‌ها تنها در اختیار بانک مرکزی

کانون‌های صنفی مجوز نظارت بر صندوق‌های قرض الحسنه را ندارد. به گزارش بانک مرکزی، بنا بر اعلام بانک مرکزی، این بانک تاکنون به هیچ‌یک از تشکل‌ها یا کانون‌های صنفی فعال در حوزه صندوق‌های قرض الحسنه مجوز نظارت، فعالیت یا هماهنگی رسمی ارائه نکرده است و هرگونه ادعا در این زمینه، وجهت قانونی و اعتبار رسمی ندارد. مطابق قوانین و مقررات جاری، نظارت بر عملکرد صندوق‌های قرض الحسنه فقط در صلاحیت بانک مرکزی است و انتخاب هرگونه عامل یا نهاد همکار نظارتی، فقط در چار‌چوب مصوبات هیئت عالی بانک مرکزی و با انعقاد قرارداد رسمی امکان‌پذیر خواهد بود. برخی تشکل‌های صنفی در حال تأسیس فقط مجوز اولیه از وزارت کشور دریافت کرده‌اند که مقدمه‌ای برای تشکیل آن است و هیچ‌گونه اختیار قانونی برای نظارت، بازرسی یا دریافت اطلاعات از صندوق‌ها ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین از کلیه صندوق‌های قرض الحسنه کشور خواسته می‌شود از ارائه هرگونه اطلاعات، اسناد، گزارش مالی و عملکردی به این تشکل‌ها یا کانون‌های بدون مجوز خودداری کنند. استفاده از عنوان یا نام بانک مرکزی در مکاتبات و اطلاعیه‌های این گروه‌ها غیرقانونی تلقی شده و پیگرد قضایی در پی خواهد داشت.



آغاز ثبت نام پنل‌های خورشیدی خانگی

ثبت‌نام نیروگاه‌های خورشیدی پشت بامی آغاز شد. به گزارش صداوسیما، رضا فتاحی، مدیرکل دفتر توسعه مردمی تجدیدپذیرهای ساتبا از آغاز ثبت‌نام نیروگاه‌های خورشیدی پشت بامی در سامانه مهرسان سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق خبر داد. رضا فتاحی گفت: خانوارها می‌توانند برای نصب سامانه‌های خورشیدی خانگی از طریق سامانه مهرسان ثبت‌نام کنند؛ پس از بازدید و بررسی شرایط اتصال به شبکه، قرارداد خرید تضمینی منعقد می‌شود و نصب تجهیزات توسط پیمانکاران مورد تأیید انجام خواهد شد. وی با تصریح اینکه با ثبت‌نام در این سامانه، تا ۸۰ درصد هزینه‌ها از طریق تسهیلات بانکی تأمین شده و سرمایه‌گذاری متقاضیان در مدت ۳ تا ۴ سال باز می‌گردد، یادآور شد: سامانه‌های خورشیدی ۵ کیلوواتی نه‌تنها برق خانه را تأمین می‌کنند، بلکه امکان فروش برق مازاد به شبکه سراسری برق را نیز فراهم می‌سازند.